

اعجاز توانش زبانی و کاربرد واژگانی قرآن

حسین شمس آبادی*

مهدی ممتحن**

چکیده

به کارگیری زبان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی، یکی از ویژگی‌های انسان اجتماعی به شمار می‌آید. مطالعات زبانی نیز در دنیای عرب تنها با نزول قرآن کریم پدیدار شد. واژه بخشی از زبان و مطالعه و بررسی چگونگی پیدایش، رشد و دگرگونی، معنا و نیز کارکردهای گوناگون واژه هم بخشی از دانش زبان‌شناسی است. در این پژوهش برآنیم تا جایگاه قرآن کریم، این پدیده بی‌همتا را از نظر زبانی در میان دیگر پدیده‌های زبانی مشخص کنیم. کاربرد این واژه نشان از دیدگاه فراگیر قرآن کریم داشته و گونه‌ای اعجاز سبکی و متنی ویژه قرآن به‌شمار می‌رود. بر این پایه، از دید زبان‌شناسی نگاهی به توانش زبانی قرآن کریم می‌اندازیم و کاربرد واژه امت و مظاهر برتری آن را بر فرد از لحاظ وظیفه و تکلیف، و پذیرش از سوی مردم، و سرانجام بزرگترین مفسران بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زبان‌شناسی، توانش، تفسیر، امت، معناشناسی، شمول گرایی.

زبان پدیده‌ای است اجتماعی و در واقع یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و به کارگیری آن یکی از ویژگی‌های انسان اجتماعی به شمار می‌آید. پژوهش در زمینه زبان و سودمندی‌ها، گونه‌ها، اهداف و شیوه‌های آن گسترش یافته است و زبان‌شناسان فعالیت خود را در دو زمینه تئوری و کاربرد دنبال می‌کنند. مطالعات زبانی در دنیای عرب تنها با نزول قرآن کریم پدیدار شد و نخستین تلاش‌ها در همین زمینه در پیوند با دین اسلام آغاز شد. واژه بخشی از زبان و مطالعه و بررسی چگونگی پیدایش، رشد و دگرگونی، معنا و نیز کارکردهای گوناگون واژه هم بخشی از دانش زبان‌شناسی است. در زبان عربی بحث درباره معنی واژگان در مرحله اندکی زودتر از شکل‌گیری جنبش علمی فعال پیرامون قرآن کریم آغاز شد. زبان قرآن کریم زبان نمونه و الگوی عربی است که پیوند محکمی با آن برقرار کرده است. از آنجا که قرآن کریم کتاب قانون مسلمانان بود و امور مربوط به دین و دنیا را برایشان شرح می‌داد، بدین روی خواندن، حفظ و درک آن بر آنان واجب شد.

هنگامی که مسلمانان به این کار پرداختند، پیچیدگی برخی از واژگان و عبارت‌های آن، برخی را با دشواری روبه‌رو کرد و از آن پس تفسیر لغوی قرآن به گونه‌ای که پیچیدگی و ابهام آن را برطرف کند ضروری شد و نیاز به شناخت واژگان و معانی آنها شدت یافت. برای پاسخگویی به آن نیازها، نگاه دانشمندان به قرآن بیشتر و عمیق‌تر شد. در نتیجه واژگان عربی، ترکیب‌ها و روش‌های تعبیری که در آثار ادبی بود را جمع‌آوری کرده و به پژوهش و بررسی آنها پرداختند تا اینکه سرانجام توانستند مسائل مورد نیاز درک و فهم قرآن کریم را از آنها استنباط کنند. بدین گونه مجالس علمی برپا شد که پایه‌گذار مطالعات و پژوهش‌های زبان‌شناسی شد. به گونه‌ای که معانی واژگان و نشانه‌های آوایی و صرفی و نحوی آنها را شرح می‌داد. زبان‌شناسان یکی پس از دیگری این پژوهش را ادامه دادند، تا زبان را بر پایه علمی دقیقی قرار دهند که آموزش آن را آسان و ساده کند و هدفی را که به خاطر آن به مطالعه و تحقیق پرداخته بودند محقق کند، یعنی همان حفاظت از قرآن در برابر غلط‌های اعرابی، نادرست خوانی‌ها، نادرست فهمیدن آن و سرانجام پی بردن به جنبه‌های اعجازانگیز آن. به همین دلیل قرآن اصلی‌ترین محوری بود

که این پژوهش‌ها پیرامون آن صورت می‌گرفت.

این جنبش علمی زبان‌شناسی که پیرامون قرآن کریم شکل گرفت، برای اولین بار به دست علمایی گسترش یافت که شب و روز، بی وقفه به خواندن و بررسی قرآن مشغول بودند و برای فهم اهداف آن و ابلاغ این اهداف به مردم، نهایت تلاش خود را مبذول داشتند، به گونه‌ای که این امر باعث شد برخی بگویند روایت به دست قاریان و مفسران شکل گرفته است. (شلقانی، ۱۹۱۷م: ۵۷). کسانی که اعتقاد داشتند تعمق در بررسی زبان امری ضروری است و آنها را قادر به درک قرآن می‌کند و این همان چیزی است که دی بور به صراحت آن را بیان کرده است:

«بزرگترین چیزی که نگرش عمیق به بررسی زبان را امری ضروری ساخته است، اشتغال مسلمان به آموزش، خواندن و تفسیر قرآن

است.» (دی بور، ۱۹۳۸: ۳۷)

و این همان منظور *عبدالمجید عابدین* است که می‌گوید:

«در همه دوره‌های اسلامی دین با زبان ارتباطی محکم برقرار کرده است و این همان دلیلی بود که زبان‌شناسان را بر آن داشت تا شواهد لغوی را جمع‌آوری کنند و انگیزه‌ای دینی برای زبان به کار گیرند، انگیزه‌ای که عبارت بود از اعراب‌گذاری متون قرآن کریم و آموزش زبان قرآن به دانش پژوهان. شیوه‌های آموزشی نیز از کهن‌ترین دوره‌های اسلامی بر پایه ترکیبی از علوم دینی و زبان‌شناسی انجام می‌شد. به همین دلیل زبان‌شناس غالباً عالمی دینی بود و زبان‌شناسان پیشین همگی قاری یا مفسر یا محدث یا متکلم یا فقیه بوده

اند.» (عابدین، ۱۹۵۱م: ۱۰۲)

به راستی هنگامی که به تلاش‌ها و آثار دینی و زبانی در زبان عربی به دقت نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم کسانی که به تفسیر واژگان قرآن اهتمام ورزیده اند نخست مفسران و قاریان، سپس علمای واژگان غریب و اشباه و نظایر در قرآن، و زبان‌شناسان بوده‌اند. به همین دلیل کتاب‌های تفسیر و قرائت، از جمله مواردی بود که سرشار از غنای زبانی بودند. پس از آنکه زبان از علوم دینی جدا شد، این پدیده‌های زبانی در کتب زبان‌شناسی گنجانده شدند.

ما در این پژوهش برآنیم که در خلال چارچوبی که برای خود مشخص کرده ایم، جایگاه قرآن کریم، این پدیده بی‌همتا را از نظر زبانی در میان دیگر پدیده‌های زبانی مشخص کنیم. بر این پایه، از دید زبان‌شناسی نگاهی به توانش زبانی قرآن کریم می‌اندازیم و کاربرد واژه امت، مظاهر برتری آن را بر فرد از لحاظ وظیفه و تکلیف، پذیرش از سوی مردم، و معانی آن از دیدگاه‌های مفسران بررسی می‌کنیم. کاربرد این واژه نشان از دیدگاه فراگیر

قرآن کریم داشته و گونه‌ای اعجاز سبکی و متنی ویژه قرآن به شمار می‌رود. چنین ساختارهایی را اندک می‌توان در زبان ادبی عربی جستجو کرد زیرا در دایره اعجاز واژگانی و معنایی است و به فراوانی می‌توان آن را در ساختار قرآن کریم یافت.

همانگونه که پیشتر گذشت به یقین می‌توان گفت که قرآن و پس از آن حدیث شریف نبوی سبب پیدایش دانش زبان‌شناسی و به‌ویژه واژه‌شناسی بوده اند، زیرا واژگانی در آنها وجود داشت که بر پایه عرف زبانی آن زمان، نیاز به تفسیر و توضیح داشت. به همین خاطر در این جنبه از زمینه‌های زبانی، تحقیق و پژوهش آغاز شد، پژوهشی که مبتنی بود بر جستجوی معانی واژگان مبهم و پیچیده در قرآن و حدیث شریف نبوی، توضیح معانی، اهداف و شیوه‌های آنها و تأیید آن شرح و تفسیر با شواهدی از شعر عرب.

دانشمندان به این جنبه از پژوهش زبان‌شناختی اهتمام بسیار ورزیدند، به طوری که کتب تراجم و طبقات بسیاری در این زمینه نوشته شد. (ابن ندیم، ۱۳۹۱: ۷۸).

به هر روی، بی‌شک تغییراتی که قرآن کریم در زندگی و فکر مردم به وجود آورده وصف ناپذیر و بی‌شمار است، هر چند که می‌توان به آسانی این تغییرات را دید. قرآن «بلسان عربی مبین» (شعراء: ۱۹۵) در میان امتی نازل شد که مهم‌ترین فنی که در آن تبحر داشتند فن بیان و بلاغت زبان بود و این همان چیزی است که قرآن آن را ارایه می‌دهد، بنابراین:

«قرآن کتابی است که آیاتش به طور مشروح بیان شده است، و به زبان عربی و برای مردمی است که اهل دانشند.» (فصلت: ۳).

با وجود این، قرآن در زمان نزول خود، کسانی را که در میان آنان نزول یافت، چنان پریشان و سرگشته کرد که بسیاری از آنان در توصیف این کتاب و منسوب کردن آن به زبان‌های مختلفی که می‌شناختند، متحیر ماندند، این تحیر در توصیف دعوت‌کننده و تبلیغ‌کننده این قرآن - که رسول خدا (ص) بود - نیز به وجود آمد. یک بار در توصیف ایشان می‌گفتند که او جادوگر است یا اینکه جادو شده است و بار دیگر او را شاعر یا کاهن می‌دانستند، گاهی نیز او را دیوانه می‌نامیدند. این اوصاف بیانگر شدت تحیر و سرگستگی و اختلاف نظری است که مردم به آن دچار شدند.

بنابراین، در تاریخ تفکر اسلامی، نگرش به قرآن به اعتبار اینکه سخنی غیر از سخن مخلوقات است، نگرشی راسخ شد، چرا که از پروردگار نشأت گرفته و چیزی جز کمال را نمی‌توان برای آن متصور شد.

از جمله نمونه‌های عظیم شمردن قرآن توسط ناقدان و اصحاب بلاغت این است که آنان را بر آن داشت تا در قواعد بلاغی که وضع کرده بودند بازنگری و تصحیح کنند، به گونه ای که وقتی متوجه می‌شدند قرآن آیاتی بر خلاف آن قواعد دارد، آن قواعد را به اعتبار آنچه که در قرآن ذکر شده، حذف می‌کردند. به عنوان مثال /بن اثیر پس از آنکه قاعده‌ای را وضع کرد متوجه شد که قرآن چیزی خلاف آن را دارد، لذا گفت:

«اما شایسته تر این است که از قرآن پیروی شود و بر اساس آن الگوبرداری شود، نه بر اساس چیزی غیر از آن، و آنچه در این آیه بیان می‌شود (قواعدی که در این آیه بیان می‌شود) نقض کننده قواعدی است که قبلاً ذکر شده است.» (ابن اثیر، ۱۹۹۹: ۲/ ۳۵).

و از این قبیل، سخن وی در بررسی مثالی دیگر است که می‌گوید:

«شیوه من اینگونه بود تا اینکه دریافتم کتاب خداوند متعال چیزی خلاف آن ذکر کرده است، در این هنگام نظر و سخن خود را تغییر دادم.» (همان: ۳۶/۲۱).

از جمله مواردی که شکی در آن نیست، این است که قرآن عظیم به طور آشکار بیان کرده است که مردم از یک اصل نشأت گرفته‌اند، همان گونه که هنگام نزول خود تلاش می‌کند در برابر بنیادهای دروغین و تفکر قبیله ای و منطقه ای نژادگرایانه بایستد، حال چه این تفکر در بین اعراب باشد و چه در میان اقوام غیر عربی. در نتیجه به طور کلی از اینکه چیزی مانند این موارد به عنوان یکی از ارکان جامعه پذیرفته شود ابا کرد و نیز برایش ناممکن بود که بنیان امت جدید را بر پایه اصولی بنا نهد که از قوانین جاهلی باشد. این کار به این دلیل انجام شد که هدف قرآن از نگرش جهان شمول خود نسبت به مردم، بر خلاف قوانین انتسابی جاهلی در چارچوبی بسته، تشکیل امتی با دیدی باز است.

بر اساس متون قرآن کریم، درمی‌یابیم که بسیاری از آیات هیچ ارزشی برای مبانی پوچ و بی‌اساس، قایل نیستند، خواه مبانیی که بر اساس رابطه نژادی شکل گرفته و خواه آنهایی که بر اساس مصالح و منافع و یا هر آنچه که با واژه (من) و آنچه که در فضایی محدود گنجانده می‌شود، در ارتباط است. علاوه بر این حقیقتاً قرآن را باید اولین

پایه‌گذار اصلی مفهوم امت به معنای جدید آن دانست. معنایی جدید که دارای افقی گسترده، یکسان و بر پایه وحدت آینده و عقیده است. بنابراین قرآن نخستین چیزی است که با فراخوان انسانی فراگیر و بازدارنده از تفکر قبیله‌ای و عشیره‌ای، به سوی هستی و وجود حرکت کرد، در نتیجه روی سخن آن بدون توجه به زمان و مکان با انسان است.

اما موضوعی که بیش از همه برای ما اهمیت دارد، این است که قرآن مجید، این فکر جدید را برای تشکیل امت در مرکزیت قرار داد و با شیوه‌های اعجازانگیز خود آنچه را که غیر از آن بود، رد کرد. از این رویکرد به طور عام، و مخصوصاً نزد مفسرین در فرهنگ اسلامی، درمی‌یابیم که آنها با سختی‌های بسیاری روبه‌رو شدند که از جهاتی همانند مشکلاتی است که پژوهشگران با همین مفهوم با آن روبه‌رو بوده و هستند. از جمله دشواری‌هایی که مفسران، هنگام شرح مفهوم امت در قرآن با آن مواجه شدند، خالی بودن خود قرآن از هر نوع تعریف زبانی یا اصطلاحی برای مفهوم واژه «امت» با ساختاری صحیح و آشکار است.

اما از طرف دیگر، مفسران در برابر این امر بی تفاوت نبوده‌اند، چرا که می‌بینیم در بسیاری از تفاسیر خود از راه شرح، تفسیر و تأویل به آن پرداخته‌اند. نکته دیگری که بر این دشواری‌ها و سختی‌ها افزود این بود که اصطلاح «امت» با ساخت‌های گوناگون و ۶۴ بار در قرآن به کار رفته است.

پیش از آنکه به شرح این موضوع بپردازیم، باید به این مسئله اشاره کنیم که قصد نداریم در این مقاله به همه ساخت‌های امت که در آیات قرآن کریم آمده بپردازیم، بلکه ترجیح داده ایم مفهوم امت را نزد نخستین مفسران از طریق تواتر شاهدها و نمونه‌ها به آن استشهاد شده شرح دهیم. از سوی دیگر ترجیح داده ایم به تفاسیر مختلف از لحاظ نوع آنها بپردازیم؛ در نتیجه از تفسیرهای مبتنی بر مآثور نمونه‌هایی را برگزیده‌ایم و همچنین از تفاسیر مبتنی بر رأی و اجتهاد نیز مثال‌هایی دیگر را برگرفته‌ایم و در پایان برآنیم که به تفسیر عرفانی بپردازیم تا به مفهوم واژه امت، نزد صوفیان و عرفا نیز پی‌ببریم.

اگر با تعمق به تفاسیر مختلف مبتنی بر مآثور نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که تفسیر ابن جریر طبری در رأس کتب تفسیری قرار می‌گیرد که غالباً ویژگی‌ها و مشخصات این نوع تفسیر را در بردارد، زیرا معمولاً چنین پنداشته

می‌شود که تفسیر مأثور، چه متواتر باشد و چه غیر متواتر، شامل سخنان منقول از خداوند بلندمرتبه در قرآن کریم، و سخنان روایت شده از پیامبر(ص) و صحابه و تابعین (ع) است، و تفسیر مأثور بر پایه همین چهار نوع روایت است. (ابوشهبه، ۱۴۰۸ه: ۴۳ - ۴۴). به نظر می‌رسد که این ویژگی‌ها در تفسیر ابن جریر طبری به وفور یافت می‌شود و پس از وی/بن کثیر در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و اهمیت کتاب تفسیر وی از کتاب پیشین کمتر نیست. به همین دلیل ترجیح داده‌ایم که آن دو کتاب را به عنوان نمونه‌ای برای تفسیر مبتنی بر مأثور برگزینیم.

طبری اعتقاد دارد واژه امت در این آیه به معنی گروهی از مردم است که دارای یک دین هستند، این در حالی است که وی تفسیر واژه امت را در آیات دیگر مطلقاً به معنی یک گروه می‌داند، چه همه مردم باشند و چه دسته‌ای از مردم، پیرامون این موضوع می‌گوید: «اصل واژه امت گروهی است که دارای یک دین هستند، بنابراین به جای آوردن واژه دین به بیان واژه امت که بر دین نیز دلالت می‌کند، بسنده می‌شود.» (طبری، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۶).

در همین زمینه صاحب تفسیر التحریر و التنویر بر این باور است که واژه امت اسم مشترکی است که معانی بسیاری در خود دارد و مقصود از امت در این آیه شریفه گروه بزرگی است که عاملی چون نسب یا دین و یا زمان آنها را گرد یکدیگر آورده است و گفته می‌شود امت محمد زیرا آنها بر ایمان محمد هم‌رأی هستند و باور دارند. بر این پایه امت به معنی مأمومه است که از واژه أم با فتحه همزه مشتق شده است و معنای آن قصد کردن می‌باشد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱: ۷۲۱).

اما از طرفی دیگر، می‌بینیم که طبری سخنی مأثور می‌آورد و بیانگر این است که منظور از این سخن خداوند متعال «وَمَنْ ذُرِّيَّتْنَا أُمَّهُ مُسْلِمَةٌ لَكَ» قوم عرب است. وی سخن خود را با روایتی از موسی بن هارون تأکید می‌کند. (طبری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۴). این در حالی است که در آخر تفسیر خود پیرامون این آیه سخن خود را تغییر می‌دهد و می‌گوید: «اما امت در این آیه، به معنی گروهی از مردم است.» (همان: ۷۴). به نظر می‌رسد طبری این اظهار نظر خود را بر پایه معنای آیه شریفه زیر بیان می‌کند:

«وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۵۹)

از طرف دیگر می‌بینیم که ابن کثیر در پاسخ سخن طبری که معتقد است سدی منظور از واژه امت را در سخن

خداوند متعال قوم عرب می‌داند، می‌افزاید که این معنا غیر عرب را نفی نمی‌کند و در این باره می‌گوید: «سیاق کلام تنها درباره قوم عرب است، به همین دلیل پس از آن فرموده است:

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»

و منظور از «رسولاً» حضرت محمد (ص) است که در بین آنان برانگیخته شده است. همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»

و دلایل محکم دیگر از این دست بسیار است.

طبق تفسیر ابن جریر طبری پیرامون این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

«تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۳۴)

معتقد است که منظور از امت گذشته، نبی خدا ابراهیم و پسرانش اسماعیل، اسحاق و یعقوب (ع) و فرزندان آنان

است. (طبری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۰۰). سپس آن را اینگونه شرح می‌دهد: خداوند متعال به یهودیان و مسیحیان می‌فرماید:

«يا معشر اليهود و النصارى، دعوا ذكر ابراهيم و اسماعيل و اسحاق و يعقوب و المسلمین من اولادهم بغير ما هم اهلہ، و لا تنحلوهم

کفر اليهودیه و النصرانیه، فتضيفونها اليهم أمه»

منظور از امت در این سخن، جماعت و گروهی از مردم است. (همان: ۱۰۰). و پیرامون این سخن خداوند متعال که

می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۲)

«به همین دلیل است که خداوند شما را برگزید و بر دیگر ادیان برتری داد زیرا شما را امتی میانه و عادل قرار داد.... و شرح دادیم که

امت شماری از مردم و گروهی از آنها و غیره است.»

اما می‌بینیم که طبری در تفسیر این آیه مانند گذشته زیاد به واژه امت نمی‌پردازد، بلکه این بار به واژه وسط

می‌پردازد و پیرامون آن اظهار نظر می‌کند و می‌گوید که خداوند متعال آنها را به دلیل اعتدال و میانه‌روی در دین،

اینگونه وصف کرده است که «وسط» (میانه‌رو، متعادل) هستند، بنابراین آنها نه اهل غلو و افراط در دین هستند،

مانند نصاری که با رهبانیت افراط ورزیدند و آن سخنان را درباره عیسی گفتند، نه اینکه اهل کوتاهی و غفلت در

آند مانند یهودیان که کتاب خدا را تحریف کردند و پیامبران خود را کشتند و پروردگار خود را تکذیب کردند و به او کفر ورزیدند؛ بلکه آنها اهل اعتدال و میانه‌روی در دین هستند، در نتیجه خداوند متعال آنان را اینگونه وصف کرده است، زیرا محبوب‌ترین امور نزد خدا با اعتدال‌ترین آنهاست. (طبری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۴۲). او قبل از این، به مفهوم لغوی این واژه پرداخته و بسیاری از معانی‌اش را ذکر کرده است. برای نمونه به این سخن اشاره می‌کنیم: «اما وسط در کلام عرب به معنی برگزیده است، در این باره گفته می‌شود: فلانی در بین قوم خود وسط الحسب است، یعنی دارای نژادی عالی است و این هنگامی گفته می‌شود که بخواهند کسی را بزرگ نشان دهند». (همان: ۱۴۱). و در آخر تفسیر خود پیرامون این آیه، این سخن را اینگونه تأیید می‌کند که وسط همان عدل است.

در تأکید این نکته می‌بینیم که /بن کثیر پیرامون این بحث حدیثی را از امام احمد بیان می‌کند که آن را در مسند خود نقل کرده است: «وکیع از ابوصالح از ابوسعید نقل کرده است که پیامبر فرمود: در روز قیامت نوح فرا خوانده می‌شود و به وی گفته می‌شود: آیا رسالت خود را ابلاغ کردی؟ او می‌گوید: بله. آنگاه قوم او فرا خوانده می‌شوند و به آنها گفته می‌شود: آیا او رسالت خود را به شما ابلاغ کرد؟ آنها می‌گویند: هیچ هشدار دهنده‌ای به سوی ما نیامد و هیچ کسی به سوی ما نیامد، سپس به نوح گفته می‌شود: چه کسی برای تو گواهی می‌دهد؟ او می‌گوید: محمد(ص) و امت او. آنگاه خداوند اینچنین می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا» فرمود: وسط یعنی عدل، پس فراخوانده می‌شوید و به ابلاغ رسالت او گواهی می‌دهید، سپس من بر عدالت شما گواهی می‌دهم.

درباره این سخن خداوند متعال که می‌فرماید:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَنَذِيرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا

فيه» (بقره: ۲۱۳)

طبری و ابن کثیر هر دو معتقدند که مفسران در معنای واژه امت که در این آیه ذکر شده است، اختلاف داشته‌اند، همانگونه که در معنای «الناس» دچار اختلاف شده‌اند. طبری با استناد به گفته برخی از مفسران این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید: «آنها کسانی بودند که ده نسل بین دوره آدم و نوح زندگی می‌کردند و همگی دارای شریعت حق بودند، و پس از آن دچار اختلاف شدند». (طبری، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۵). سپس این نظریه را با این گفته

تأیید می‌کند: «محمد بن بشار نقل کرد: بین دوره آدم و نوح ده نسل زندگی می‌کردند که همگی دارای دین حق بودند، سپس دچار اختلاف شدند و خداوند پیامبرانی بشارتگر و انذار دهنده را برانگیخت. سپس افزود: این موضوع در قرائت عبدالله نیز آمده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا». در نتیجه بر اساس معنای سخن این دسته تفسیر واژه امت اینگونه است: «مردم امتی بودند که همگی دارای یک دین و آیین بودند، سپس دچار اختلاف شدند و خداوند پیامبران بشارتگر و هشداردهنده را برانگیخت». (همان: ۲۷۶).

نظر ابن کثیر درباره این موضوع همانند نظر طبری است، بنابراین می‌بینیم که با این سخن برای نظر خود دلیل می‌آورد: «به همین دلیل خداوند متعال فرمود:

«وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»

یعنی پس از آنکه برای آنان، در نتیجه ظلم گروهی نسبت به گروه دیگر برهان آورده شد.

طبری تفسیر دیگری می‌آورد و در آن به روایتی استناد می‌کند که محمد بن عمرو برایش نقل کرده است و محتوای آن اینچنین است: «... مردم یک امت بودند؛ یعنی آدم». طبری این سخن را تأیید می‌کند و این‌گونه برای آن دلیل می‌آورد که خداوند متعال وی را با این نام، نامگذاری کرد، زیرا او (آدم ع) دلیلی است برای اینکه گروه‌های پراکنده‌ای از مردم، خیر و خوبی بسیاری را که آنها را به سوی آن فرا می‌خواند بپذیرند، بنابراین وقتی آدم (ع) دلیلی برای گردهم آمدن کسانی شد که دین او را پذیرفتند، در حالیکه با هم فرق داشتند، او را به این دلیل امت نامید.

اما طبری در پایان این سخن نظری برخلاف همه اینها ذکر می‌کند و معتقد است منظور از این سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «کان امه واحده» این است که آنها دارای یک دین بودند، سپس خداوند پیامبران را برانگیخت. طبری نظر آخر را قبول دارد، زیرا او نظر خود را با حدیثی می‌آراید که از محمد بن سعید شنیده است: «کان الناس أمة واحدة: یعنی مردم دین واحدی بودند، آنگاه خداوند پیامبرانی بشارتگر و هشدار دهنده را برانگیخت» (طبری، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۷-۲۷۸). این همان چیزی است که طبری در پایان تفسیر خود پیرامون این آیه، با آوردن دلایلی از اقوال و احادیث از آن یقین حاصل می‌کند و تمامی آنها در این مفهوم امت گنجانده می‌شوند که: امت دین واحدی

است بر آیین آدم (ع).

اما آیه ای که اهل تفسیر مأثور از نظر زبانشناسی یا تفسیری در آن با اختلاف بسیاری روبه‌رو شده‌اند، شاید این سخن خداوند متعال باشد:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)

زیرا آیه دیگری نمی‌بایم که در بردارنده واژه امت باشد و بیشتر از این آیه توجه آنها را به خود جلب کرده باشد. شاید طبری از جمله کسانی باشد که پیرامون این آیه همه نظرات را مطرح کرده است و شاید هم دلیل انجام این کار توسط وی، اعتماد بسیار زیاد او به اخبار یا گزارش و نقل احادیث و اقوال باشد، بدون اینکه یکی از آنها را بر دیگری ترجیح دهد، تا به این وسیله بتوانیم آن را ترجیح و برتری به‌شمار آوریم که از نگرش اجتهادی ویژه خود او هرچند اندک، نشأت گرفته است و آن را با آرای اصحاب تفسیر بالرأی مقایسه کنیم.

خود طبری درباره این آیه اعتراف می‌کند که اهل تفسیر و تأویل پیرامون آن دچار اختلاف شده‌اند و به ناچار یکی از نظرات مفسران را درباره معنای واژه امت در این آیه بیان می‌کند، تا در پایان بحث یکی از آنها را برگزیند. از جمله این نظرات، نقل قول یکی از آنها درباره واژه امت این است: «آنها کسانی هستند با پیامبر خدا از مکه به مدینه مهاجرت کردند، مخصوصاً اصحاب رسول خدا (ص) (طبری، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۰۰). پس طبری با انتخاب این نظر - که آن را بر روایاتی دیگر از عمرو بن حماد از اسباط از سعید بن خبیر از ابن عباس ترجیح می‌دهد - نتیجه گیری می‌کند که منظور از واژه امت همان گروه مهاجرین است، بدون اینکه کسانی را در بر گیرد که در آن زمان به دعوت اسلام ایمان آوردند.

ابن کثیر نظری خلاف این نظر دارد، چرا که منظور از واژه امت در همین آیه امت محمد (ص) است، به دلیلی که آنها بهترین امت‌ها هستند. بخاری می‌گوید: محمد بن یوسف از ابوهریره روایت کرده است که «وَكُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» یعنی شما بهترین مردم برای مردم بودید، در حالیکه آنها را که زنجیر در گردن دارند می‌آوردید تا اینکه مسلمان بشوند. ابن عباس، مجاهد، عطیه العوفی، عکرمه، عطاء، و ربیع بن انس نیز چنین گفتند که: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» به معنی بهترین مردم برای مردم است و معنایش اینچنین است: آنها بهترین امت‌ها و

سودمندترین مردم برای مردمان هستند. (طبری، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۰۰).

نظر ابن کثیر درست است که می‌گوید واژه امت در این آیه عام در همه مردمان است و وقتی که بار دیگر به تفسیر طبری رجوع می‌کنیم، درمی‌یابیم آنچه که طبری از بین اقوال مختلف برگزیده است، با نظر ابن کثیر فرقی ندارد. طبری از میان آنچه که ذکر کرده است، حدیث مأثور و روایت شده‌ای را بر می‌گزیند که چنین است: «یعقوب بن ابراهیم روایت کرده است: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: هان! شما هفتاد امت را تشکیل می‌دهید که شما آخرین و گرامی‌ترین آنها نزد خدا هستید. (همان: ۱۲۰).

به هر روی، بر پایه نظر ابن کثیر و نیز سخنی که طبری ترجیح داده و برگزیده است، واژه امت در اینجا دارای مفهوم دینی است. این نظر بر خلاف نظر گذشته طبری است که این واژه را تنها به معنای گروهی از مردم بر می‌شمرد. بنابراین این واژه همه پیروان پیامبر را در بر می‌گیرد، چه کسانی که دعوت شده‌اند و چه کسانی که به این دعوت پاسخ داده‌اند. (همان: ۱۲۰). به نظر می‌رسد صاحب تفسیر/التحریر و التنبؤ نیز با این نظر هم‌رأی است.

بنابراین بر پایه آنچه که قبلاً ذکر شد و پس از بررسی نمونه‌هایی از تفاسیر این دو مفسر، پیرامون این واژه و خصوصاً آراء طبری، درمی‌یابیم که تأکید بر این بود که واژه امت که در بیشتر آیات ذکر شده، به معنای گروهی است که دارای یک دین و آیین هستند، به عبارت دیگر، بر اساس نظر این دو مفسر، مفهوم واژه امت، از طرفی بر طبق رابطه آیین و دین است و از طرفی دیگر بر طبق رابطه بین یک گروه مطلق شکل گرفته است.

پیش از آنکه برای شناخت معنای واژه امت و مفهوم آن نزد اهل رأی و اجتهاد، به تفاسیر آنان پردازیم، بد نیست به این موضوع اشاره کنیم که برای این بخش از بحث نمونه‌ای از تفسیر بزرگ فخر رازی را برمی‌گزینیم، زیرا ویژگی‌های این نوع تفسیر را در بر دارد، علاوه بر این گاهی به تفسیر قرطبی نیز می‌پردازیم. در اینجا باید خاطر نشان کنم که تقسیم مفسران به دو گروه، بدین معنا نیست که بین دو تفسیر حد و مرزی تعیین کرده‌ایم، چرا که هدف همگی از نگاشتن آثار ارزشمند خود، خدمت به کتاب عظیم خداوند بوده است و با انجام این کار سعی در فهماندن و نزدیک کردن کتاب خدا به همه مسلمانان و تمامی مردم داشته‌اند.

دکتر محمد بن محمد / بوشهبه دلایل دیگری برای این‌گزینش ذکر می‌کند که این تفسیر بر اساس پایه‌های

شناخت و معرفت و مبتنی بر علوم مختلف بنا شده است، همچنین تفسیری است که با هیچ روایت صحیحی و عقل سلیمی و علمی یقینی مخالفت نمی‌کند و نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد تا بحث و اجتهاد و مبالغه را در جستجوی حقیقت و راستی، پاک کردن نفس از خواهش‌های نفسانی و استنباط حکم بدون دلیل، گسترش دهد، همچنین در تمامی گفته‌های خود، خدا را کاملاً در نظر می‌گیرد. (ابوشهبه، ۱۴۰۸: ۸۲).

رازی در تفسیر بسیاری از آیاتی که در برگرفته واژه امت است، عقل را به کار می‌گیرد و تا حد امکان از بیان احادیث منقول و روایات خودداری می‌کند، به همین دلیل پس از هر نظری که بیان می‌کند، دلیل و برهان می‌آورد، و منطقی و عقل را دو ویژگی تفسیرهای خود قرار می‌دهد. البته همه اینها در حدی انجام می‌شود که شرع اجازه داوری و دخالت عقل را به وی می‌دهد. به عنوان نمونه، او پیرامون آیه کریمه:

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره: ۱۲۷)

این نظر را بیان می‌کند: «امت: گفته شده که آنها امت محمد (ص) هستند، به دلیل این سخن خداوند:

«وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ» (فخررازی، بی تا، ج ۴: ۶۱)

قرطبی نیز در تفسیر خود با رازی هم عقیده است و درباره آیه بالا (بقره: ۱۲۷) می‌گوید که مقصود «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا فَاجْعَلْ» می‌باشد و به همین دلیل است که پروردگار پیامبر را برای خود و امتش فرا می‌خواند. وی همچنین نظر دیگری را ذکر می‌کند که مقصود از «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا» عرب به طور خاص است، زیرا آنان فرزندان اسماعیل هستند. ابن عطیه در این باره می‌گوید که این نظر ضعیف است زیرا دعوت او در میان عرب و کسانی جز عرب که به او ایمان آوردند آشکار شد. (قرطبی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۱۳۶).

اما پیرامون این سخن خداوند متعال:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳)

هر یک از این دو مفسر با نگاهی ژرف تر به واژه وسطاً در کنار واژه امت پرداخته اند. رازی در این باره مسائل بسیاری را به شیوه مثال، نه حصر بیان می‌کند. از جمله اینکه می‌گوید: مفسران در تفسیر واژه وسط دچار اختلاف شده‌اند و اموری را بیان کرده‌اند. اولین آنها این است که وسط همان عادل است و دلیل آن، نمونه‌های قرآنی،

خبری، شعری، روایی و معنایی است. او پس از آنکه چهار دلیل اول را بیان می‌کند، درباره دلیل پنجم که معنی است می‌گوید: «اما معنا دارای وجوه مختلفی است؛ نخست آنکه، وسط حقیقتی در دوری از دو طرف است و بی شک هم افراط و هم تفریط ناپسند است، پس کسی که از لحاظ اخلاقی میانه‌رو است از این دو طرف دور است، در نتیجه شخص میانه‌رو و فاضل است. دوم آنکه عادل وسط نامیده شده است، زیرا شخص عادل به سمت هیچ یک از طرفین دعوا گرایش ندارد و عادل همان شخص میانه‌روی است که از هیچ یک از طرفین طرفداری نمی‌کند. و سوم آنکه، بی شک هدف این سخن خداوند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» مدح آنان است، زیرا فقط در جایگاه مدح جایز است که خدای متعال وصفی را ذکر کند و آن را به عنوان دلیل شاهد گرفتن آنان برای خود معرفی کند، سپس گواهی پیامبر را متوجه آن کند، این وصف جایز نیست مگر اینکه مدح باشد. بنابراین ثابت شد که مقصود از سخن خداوند وسطاً هر چیزی است که مربوط به مدح در باب دین است و فقط در صورت عادل بودن جایز است که خداوند شاهدان را مدح کند. پس واجب شد که منظور از وسط عدالت باشد. چهارم اینکه، محکم‌ترین و استوارترین قسمت یک چیز وسط آن است و حکم آن نسبت به سایر بخش‌های آن چیز یکسان و یکنواخت است. کناره‌ها خیلی زود دچار خرابی و تباهی می‌شوند، حال آنکه وسط تحت حمایت و احاطه شده است. (فخررازی، بی تا، ج ۴: ۹۷).

اما قرطبی درباره موضوع وسط می‌افزاید: «هنگامی که وسط (شخص عادل) از افراط و تفریط پرهیز کند، پسندیده است، یعنی این امت نه مانند مسیحیان درباره پیامبر خود غلو می‌کنند و نه مانند یهودیان نسبت به پیامبرشان کوتاهی می‌ورزند. (قرطبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۵۴).

اما درباره معنای واژه امت در این سخن خداوند متعال:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»

(بقره: ۲۱۳)

رازی در این آیه پس از اینکه سبب پافشاری مردم در کفر ورزیدن را به تفصیل بیان می‌کند چندین نکته را

مطرح می‌کند و از آن جمله می‌گوید:

«امت قومی هستند که یک امر را می پذیرند، و برخی از دیگری پیروی می کنند، و این واژه از ائتمام به معنای پیروی کردن و

تقلید کردن گرفته شده است. (فخررازی، بی تا، ج ۶: ۱۱).

رازی پس از نقد و بررسی، سخن خود را پیرامون معنی امت در همین آیه از سر می گیرد و درباره آن، پنج قول را ذکر می کند که هر قول چند وجه دارد، سپس به جای تفسیر واژه امت به تفسیر معنای واژه الناس می پردازد و در بررسی مفهوم واژه الناس، معنای «امه واحده» که پس از «الناس» آمده را بیان می کند: «اینجا منظور از «الناس» اهل کتاب است که به موسی (ع) ایمان آوردند و دلیلمان نیز این است که ما بیان کردیم که این آیه به این سخن خداوند «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه» که قبل از آن آمده، مربوط است و همچنین ذکر کردیم که بسیاری از مفسرین اینگونه می پنداشتند که این آیه درباره قوم یهود نازل شده است، در نتیجه این سخن خداوند متعال: «کان الناس امه واحده»، یعنی کسانی که به موسی ایمان آوردند یک امت بودند و دارای یک دین و یک مذهب، آنگاه به سبب ظلم و حسد دچار اختلاف شدند، سپس خداوند پیامبرانی را برانگیخت که پس از موسی (ع) آمدند و با آنها کتاب نازل کرد، این نظریه با روند آیه و با آنچه که قبل و بعد از آن آمده است، تطابق و هماهنگی دارد». (فخررازی، بی تا، ج ۶: ۱۴).

قرطبی پیرامون این سخن خداوند متعال:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۰۴)

نظری را درباره واژه امت بیان می کند که در آن با رازی اتفاق نظر دارد. این نظر عبارت است از اینکه، منظور از آن گروهی از علما است و این در حالی است که رازی علاوه بر آن، عقیده خود را یکی از اسباب و علل می شمارد. زیرا مفهومی که در آن درباره معنای واژه امت در این آیه کریمه، با «قرطبی» هم رأی است، این است که باورمندان به این تفسیر بر سر دو نظریه با هم اتفاق نظر ندارند: نخست آنکه فایده واژه «مِن» در «منکم» این است که در این قوم کسانی مانند زنان، بیماران و افراد ناتوان هستند که قادر به انجام دعوت و امر به معروف و نهی از منکر نیستند، دوم اینکه این وظیفه ویژه علما است. به همین خاطر دو دلیل بیانگر این موضوع که این آیه شامل امر به سه چیز است: دعوت به نیکی، امر به معروف، و نهی از منکر، این موضوع آشکار است که دعوت به نیکی مستلزم آگاهی

نسبت به نیکی و درستی (معروف) و نادرستی (منکر) است. بنابراین امکان دارد شخص نادان به باطل بازگردد و امر به انجام منکر و نهی از معروف کند و شاید درستی را در نظر خود و نادرستی را در نظر دوست خود بیابد، در نتیجه او را از غیر منکر نهی می‌کند و گاهی در جایگاه نرمخویی، خشم می‌ورزد و در جایگاه خشم با نرمش برخورد می‌کند. بنابراین ثابت شد که این وظیفه متوجه علما است و بی‌شک آنها گروهی از امت هستند.» (فخررازی، بی تا، ج ۸: ۱۶۷؛ قرطبی، ۱۳۵۷، ج ۴: ۱۶۵).

گرچه این متن طولانی بود اما آن را آوردیم تا میزان اجتهاد رازی و قرطبی برای همگان آشکار شود و شیوه تفسیر آن دو برای رسیدن به ریشه و بنیاد این مفهوم از طریق استدلال عقلی و دلیل منطقی، هنگامی که ضرورت ایجاب می‌کند، روشن شود.

هرچند به نظر می‌رسد این تفسیر و استنباط از کاربرد واژه امت درست‌تر باشد، با این همه امکان دارد به مفهومی دیگر برای واژه امت در این آیه معتقد باشیم. چرا که ممکن است منظور از آن، اصحاب رسول خدا (ص) باشد، به اعتبار اینکه آنها علم را از ایشان آموخته‌اند تا آن را به مردم برسانند و بر این اساس، تفسیر به اینجا می‌انجامد که اصحاب رسول خدا امتی بودند که به آموختن دین و تبلیغ رسالت او روی آوردند.

بر اساس آنچه که پیرامون مفهوم واژه امت و کارکرد آن نزد اهل تفسیر مبتنی بر رأی گفته شد، به طور کلی آنها همان تفسیری را ارائه دادند که اهل تفسیر مبتنی بر مأثور بیان کردند؛ در نتیجه معانی آنها درباره واژه امت در خلال آیاتی از قرآن که ذکر کردیم، بیشتر درباره معنی گروهی است که به دین یا آیینی خاص تعلق دارند، حال فرقی نمی‌کند که مطلقاً دین، آیین یا شریعتی باشد، یا اینکه مخصوص دین اسلام باشد.

همچنین دریافتیم که مفهوم واژه امت نزد آنها یا ویژه گروهی است که به دعوت اسلام پاسخ مثبت دادند و یا مخصوص گروهی است که به طور عمومی دعوت شدند.

در پایان به تفسیر صوفی یا عرفانی روی می‌آوریم تا از دیدگاه‌های این دسته نیز جويا شویم. بی‌شک کسانی که به تفسیر عرفانی روی آوردند، در درجه اول صوفیان بودند که تفسیرهای خود را بر اساس کرامات، ریاضت‌ها و الهامات خویش انجام دادند. بر این اساس برخی از آیات قرآن کریم را به گونه‌ای تفسیر کردند که با تفسیرهای

مأثور و مبتنی بر رأی فرق داشت و این کار در بسیاری از تفسیرهایشان انجام شد. افزون بر این، گروهی از علمای دینی با ذکر شرایطی این نوع تفسیر را پذیرفته اند. برای نمونه در این پژوهش تفسیر قشیری را که به لطائف الاشارات مشهور است انتخاب کردیم.

امام قشیری درباره آیه شریفه زیر می گوید:

«وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳)

«پس این امت را برگزیده امت‌ها قرار داد، و این گروه را برگزیده این امت قرار داد، بنابراین آنها برگزیدگان هستند، پس همانگونه که در روز قیامت، این امت گواه امت‌هاست، این گروه نیز در درجه اول قرار دارند و محور آنان می‌باشند و آنان قطب هستند. خداوند به سبب وجود آنها همه امت را حفظ می‌کند، هرآنچه قلوب آنان پذیرفت قبول می‌شود و هر آنچه را که دل‌های آنان نپذیرفت، مردود شمرده می‌شود. حکم درست و معتبر به دلیل نیروی ادراک باطنی آنهاست، حکمشان صحیح است و نظرشان درست، همه این امت از خطا و اشتباه در امانند و این گروه در نظر دادن و پذیرفتن یا نپذیرفتن چیزی، از خطا در امان هستند.» (قشیری، بی تا، ج ۱: ۱۴۵).

بنابراین طبق نظر قشیری در واقع مفهوم امت، تنها گروهی است که اهل حقیقت هستند، آنها دوستداران خدا، دعوت کنندگان به حق و بر پا دارندگان آن هستند. همانگونه که امت نزد او در این سخن پروردگار متعال:

«وَلْتَكُنْ أُمَّةٌ مِّنْكُمْ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (بقره: ۱۰۴)

گروهی پاک و بااخلاص از امت اسلامی هستند، بنابراین امت در اینجا در میان گروهی جلوه می‌کند که «به خاطر خدا (احکام) خدا را بر پا داشتند، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در آن کارساز نشد، هیچ دلیلی آنها را از خدا جدا نکرد. همگی آنان به نشانه‌های امر او مشغول شدند و خود را محدود به کسب خشنودی پروردگار کردند و عمر خود را در این راه گذراندند، به خاطر خدا در دین اخلاص ورزیدند و خلق خدا را به سوی خدا فراخواندند، پس در تجارت سود کردند و در معامله زیان نکردند.» (قشیری، بی تا، ج ۱: ۲۷۰).

از کرامات صوفیانه که امام قشیری به واژه امت در آیه زیر می‌دهد:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)

این است: «وقتی که مصطفی (که درود خدا بر او باد) برترین انبیاء باشد، امت او - که سلام خدا بر او باد - بهترین امت ها هستند و وقتی که بهترین امت ها باشند برترین امت ها نیز هستند، وقتی برترین امت ها باشند، با اشتیاق ترین امت ها نیز هستند، بنابراین هنگامی که با اشتیاق ترین امت ها باشند، عمرشان کوتاه ترین عمرهاست، و آخرین مخلوقات آفریده شدند تا ماندنشان در زمین به طول نینجامد، برتریشان به وسیله نمازها و عبادت های بسیار حاصل نشده است، بلکه به سبب زیادی علاقه شان و مخصوص شدنشان در پیشگاه پروردگار حاصل شده است و کسانی که زودتر بر درگاهش روی آوردند بسیار بودند، اما هنگامی که اجازه ورود داده شده، کسانی که آخر آمده بودند وارد شدند و چه بسیار کسانی که به وصل ما روی آوردند و بهره ای نبردند». (همان: ۲۸۲).

اما نگرش او پیرامون مفهوم واژه امت در آیه زیر می گوید:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۸۱)

«آنها گروهی از اولیای خدا و پیشوایان تصوف و یاری کنندگان مردمان هستند، و خداوند، که پاک و منزّه است، سنت خود را بر این قرار داده است که صحنه گیتی از کسانی که یاری کننده خلق هستند، خالی نباشد.» (قشیری، بی تا، ج ۲: ۲۸۷).

بنابراین بر اساس آنچه گذشت، بر ایمان روشن شد که مقصود از واژه امت نزد قشیری، گروه یا جمعی از برگزیدگان این امت اسلامی هستند، در نتیجه درباره امت اینگونه می پندارند که آنها گروهی از اولیای خداوند متعال هستند که به ولایت او منسوب می شوند، بنابراین آنها جمعی از پیشوایان و یاری کنندگان خلق هستند، کسانی که خداوند به آنان عنایت خاص داشته است و آنان را در پیوند و محبت و یکتاپرستی ثابت قدم کرده است، آنان اهل نور و یقین و وصل هستند و در انتظار ورود به درگاه خداوند متعال هستند.

نتیجه

در پایان این بحث، گمان نمی کنیم که همه آنچه را که مفسران پیرامون واژه امت در میراث اسلامی گفته اند، آورده باشیم، این موضوع هم به این دلیل است که در نظر گرفتن همه آنچه که در ذهن آنان درباره تفسیرشان از این واژه

بوده، دشوار است. همچنین گمان نمی‌کنیم که همه آیاتی را که در بر دارنده واژه مورد نظر ما برای تحقیق بوده‌اند، آورده باشیم. آنچه که انجام داده ایم چیزی جز تلاشی ناچیز شمرده نمی‌شود که در آن سعی بر آن بوده است که در حد امکان دیدگاه‌ها و نظرات آنان را جمع‌آوری کنیم. اگر بخواهیم در پایان به یک جمع بندی برسیم آن را اینگونه خلاصه می‌کنیم:

مفهوم واژه امت با توجه به اهمیتی که داراست، در طول فرهنگ اسلامی، در تمامی زمینه‌های زبان شناسی، دینی و تاریخی، معانی مختلفی را به خود گرفته است و این همه با وجود ابهاماتی صورت گرفته که این اصطلاح در طی تاریخ تفکر فرهنگی اسلام با آن مواجه شده است.

همچنین در خلال این بحث، روشن شد که متن قرآن در بر دارنده واژه قوم نیز بوده است، ولی توجه مفسران را به خود جلب نکرده است. البته برای این موضوع دلایلی هم وجود دارد، بی تردید می‌توان گفت، واژه «القوم» که در متن قرآن آمده است از محدودیت و کم بودن تعبیر می‌کند، هرچند که قوم زیاد بوده باشند. این در حالی است که واژه امت در بسیاری از آیات قرآن کریم بیانگر وسعت و فراوانی است، یعنی که واژه امت بیانگر پیوند روحی است و دارای ویژگی استمرار و جاودانگی است که محدود به هیچ زمان و مکانی نیست، حتی پس از نابودی دنیا. در حالیکه واژه قوم پیوندش مادی است و بیانگر محدودیتی است که با گذر زمان و از بین رفتن مکان قطع می‌شود.

به هر روی وقتی که به مفهوم واژه امت نزد مفسران فرهنگ اسلامی توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که آنان در تعیین یک مفهوم کامل برای این اصطلاح، با دشواری‌هایی روبه‌رو شده‌اند و به نظر می‌رسد دلیل این موضوع هم آن باشد که متن قرآن خالی از نوشته‌های آشکار و روشنی است که معنی واژه امت را بیان کرده باشند. اما برخی از مفسران متوجه این اشکال شدند و سعی کردند که با شیوه‌های مختلفی به بررسی آن بپردازند، گاهی با تکیه بر روایات منقول، گاهی دیگر با تکیه بر عقل و گاهی دیگر نیز بر اساس عرفان که مفسران صوفی به آن عمل کردند، آن را بررسی کرده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، نصرالله ضیاء الدین. ۱۹۹۹م. *المثل السائر فی آداب الکاتب و الشاعر*. ج ۲. بیروت: دار الجیل.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. ۱۹۸۴. *تفسیر التحریر و التنویر*. تونس: انتشارات دار التونسیه للنشر.
- ابن کثیر، عماد الدین أبو الفداء إسماعیل. ۱۹۹۴م. *تفسیر القرآن العظیم*. ج ۱. ریاض: دار السلام.
- ابن ندیم. ۱۳۹۱هـ. *فهرست*. رضا تجدد. تهران: بی نا.
- أبو شهبه، محمد بن محمد. ۱۴۰۸م. *الإسرائيلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر*. ج ۴. قاهره: انتشارات السنه.
- دی بور. ۱۹۳۸م. *تاریخ الفلسفه فی الإسلام*. ترجمه عبدالهادی أبو ریده. بی جا: گروه تألیف و ترجمه و نشر.
- روستایی، زینب. ۱۳۸۹. «بررسی استدلال ادبی علامه بلاغی در رد روایات تحریف». *فصلنامه دین پژوهی و کتاب شناسی قرآنی فدک*. سال اول شماره ۴. صص ۱۲۵-۱۴۴.
- فخررازی. بی تا. *التفسیر الکبیر*. ج ۲. تهران: انتشارات دار الکتب العلمیه.
- شلقانی، عبدالحمید. ۱۹۷۱م. *روایه اللغه*. مصر: انتشارات دار المعارف.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر. ۱۳۷۴م. *جامع البیان فی تأویل القرآن*. به تحقیق محمود شاکر. ج ۲. قاهره: دار المعارف.
- عابدین، عبد المجید. ۱۹۵۱م. *المدخل إلى دراسة النحو العربی علی ضوء اللغات السامیه*. ج ۱. مصر: بی نا.
- قرطبی، محمد بن أحمد. ۱۳۵۷هـ. *الجامع لأحكام القرآن*. ج ۱. قاهره: دار الکتب المصریه.
- قشیری. بی تا. *لطائف الإشارات*. به تحقیق د. ابراهیم بسیونی. قاهره: دار الکتب العربی.

